

باشد میتوان مهر قرار داد.

ماده ۱۰۷۹ - مهر باید بین طرفین تا حدی که رفع جهالت آنها بشود معلوم باشد.

ماده ۱۰۸۰ - تعیین مقدار مهر منوط بتراضی طرفین است.

ماده ۱۰۸۱ - اگر در عقد نکاح شرط شود که در صورت عدم تأدیه مهر در مدت معین نکاح باطل خواهد بود نکاح و مهر صحیح ولی شرط باطل است.

ماده ۱۰۸۲ - بمجرد عقد، زن مالک مهر میشود و میتواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید.

ماده ۱۰۸۳ - برای تأدیه تمام یا قسمتی از مهر میتوان مدت یا اقساطی قرار داد.

ماده ۱۰۸۴ - هرگاه مهر عین معین باشد و معلوم گردد قبل از عقد معیوب بوده و یا بعد از عقد و قبل از تسلیم معیوب و یا تلف شود شوهر ضامن عیب و تلف است.

ماده ۱۰۸۵ - زن میتواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند مشروط براینکه مهر او حال باشد و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۰۸۶ - اگر زن قبل از اخذ مهر به اختیار خود بایفاء وظائفی که در مقابل شوهر دارد قیام نمود دیگر نمیتواند از حکم ماده قبل استفاده کند معذالک حقی که برای مطالبه مهر دارد ساقط نخواهد شد.

ماده ۱۰۸۷ - اگر در نکاح دائم مهر ذکر نشده یا عدم مهر شرط شده باشد نکاح صحیح است و طرفین میتوانند بعد از عقد مهر را بتراضی معین کنند و اگر قبل از تراضی بر مهر معین بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۸۸ - در مورد ماده قبل اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمیرد زن مستحق هیچگونه مهری نیست.

ماده ۱۰۸۹ - ممکن است اختیار تعیین مهر بشوهر یا شخص ثالثی داده شود در این صورت شوهر یا شخص ثالث میتواند مهر را هر قدر بخواهد معین کند.

ماده ۱۰۹۰ - اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شود زن نمیتواند بیشتر از مهرالمثل معین نماید.

ماده ۱۰۹۱ - برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.

ماده ۱۰۹۲ - هرگاه شوهر قبل از نزدیکی خود را طلاق دهد زن مستحق نصف مهر خواهد بود و اگر شوهر بیش از نصف مهر را قبلاً داده باشد حق دارد مازاد از نصف را عیناً یا مثلاً یا قیمتاً استرداد کند.

ماده ۱۰۹۳ - هرگاه مهر در عقد ذکر نشده باشد و شوهر قبل

از نزدیکی و تعیین مهر زن خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه است و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل خواهد بود.

ماده ۱۰۹۴ - برای تعیین مهرالمتعه حال مرد از حیث غنا و فقر ملاحظه میشود.

ماده ۱۰۹۵ - در نکاح منقطع عدم مهر در عقد موجب بطلان است.

ماده ۱۰۹۶ - در نکاح منقطع موت زن در اثناء مدت موجب سقوط مهر نمیشود و همچنین است اگر شوهر تا آخر مدت با او نزدیکی نکند.

ماده ۱۰۹۷ - در نکاح منقطع هرگاه شوهر قبل از نزدیکی تمام مدت نکاح را ببخشد باید نصف مهر را بدهد.

ماده ۱۰۹۸ - در صورتی که عقد نکاح اعم از دائم یا منقطع باطل بوده و نزدیکی واقع نشده زن حق مهر ندارد و اگر مهر را گرفته شوهر میتواند از آن استرداد نماید.

ماده ۱۰۹۹ - در صورت جهل زن بفساد نکاح و وقوع نزدیکی زن مستحق مهرالمثل است.

ماده ۱۱۰۰ - در صورتیکه مهرالمسمی مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد یا ملک غیر باشد در صورت اول و دوم زن مستحق مهرالمثل خواهد بود و در صورت سوم مستحق مثل یا قیمت آن خواهد بود مگر اینکه صاحب مال اجازه نماید.

ماده ۱۱۰۱ - هرگاه عقد نکاح قبل از نزدیکی بجهتی فسخ شود زن حق مهر ندارد مگر در صورتیکه موجب فسخ، عنین باشد که در این صورت با وجود فسخ نکاح زن مستحق نصف مهر است.

### فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت بیکدیگر

ماده ۱۱۰۲ - همینکه نکاح بطور صحت واقع شد روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار میشود.

ماده ۱۱۰۳ - زن و شوهر مکلف حسن معاشرت با یکدیگرند.

ماده ۱۱۰۴ - زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود بیکدیگر معاضدت نمایند.

ماده ۱۱۰۵ - در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است.

ماده ۱۱۰۶ - در عقد دائم نفقه زن بعهده شوهر است.

ماده ۱۱۰۷ - نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که بطور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن بداشتن خادم یا احتیاج او بواسطه

مرض یا نقصان اعضاء

ماده ۱۱۰۸ - هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود.

ماده ۱۱۰۹ - نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد لیکن اگر عده از جهت فسخ نکاح یا طلاق بائن باشد زن حق نفقه ندارد مگر در صورت حمل از شوهر خود که در اینصورت تا زمان وضع حمل حق نفقه خواهد داشت.

ماده ۱۱۱۰ - در عده وفات زن حق نفقه ندارد.

ماده ۱۱۱۱ - زن میتواند در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه بمحکمه رجوع کند در اینصورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را بدادن آن محکوم خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۲ - اگر اجراء حکم مذکور در ماده قبل ممکن نباشد مطابق ماده ۱۱۲۹ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۱۱۳ - در عقد انقطاع زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن جاری شده باشد.

ماده ۱۱۱۴ - زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل بزن داده شده باشد.

ماده ۱۱۱۵ - اگر بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد زن میتواند مسکن علیحده اختیار کند و در صورت ثبوت مظنه ضرر مزبور

محکمه حکم بازگشت بمنزل شوهر نخواهد داد و مادام که زن در بازگشتن بمنزل مزبور معذور است نفقه بر عهده شوهر خواهد بود.

ماده ۱۱۱۶ - در مورد ماده فوق مادام که محاکمه بین زوجین خاتمه نیافته محل سکنای زن بتراضی طرفین معین میشود و در صورت عدم تراضی محکمه با جلب نظر اقربای نزدیک طرفین منزل زنا را معین خواهد نمود و در صورتیکه اقربائی نباشد خود محکمه محل مورد اطمینانی را معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۱۷ - شوهر میتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.  
ماده ۱۱۱۸ - زن مستقلاً می تواند در دارائی خود هر تصرفی را که می خواهد بکند.

ماده ۱۱۱۹ - طرفین عقد ازدواج میتوانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غائب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سؤرفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم

نهائی خود را مطلقه سازد.<sup>(۱)</sup>

## باب دوم - در انحلال عقد نکاح

ماده ۱۱۲۰ - عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل میشود.

### فصل اول - در مورد امکان فسخ نکاح

ماده ۱۱۲۱ - جنون هر یک از زوجین بشرط استقرار اعم از اینکه مستمر یا ادواری باشد برای طرف مقابل موجب حق فسخ است.

ماده ۱۱۲۲ - عیوب ذیل در مرد موجب حق فسخ برای زن خواهد بود:

۱ - خصاء

۲ - عنن به شرط اینکه ولو یکبار عمل زناشوئی را انجام نداده باشد.

۳ - مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل

۱- ماده ۱۱۱۹ در تاریخ ۱۷ فروردین ۱۳۱۴ تصویب شده است.

زناشوئی نباشد. (۱)

ماده ۱۱۲۳ - عیوب ذیل در زن موجب حق فسخ برای مرد

خواهد بود:

۱ - قرن .

۲ - جذام .

۳ - برص .

۴ - افضاء .

۵ - زمین گیری .

۶ - نایبئائی از هر دو چشم .

ماده ۱۱۲۴ - عیوب زن در صورتی موجب حق فسخ برای

مرد است که عیب مزبور در حال عقد وجود داشته است.

ماده ۱۱۲۵ - جنون و عنن در مرد هرگاه بعد از عقد هم

حادث شود موجب حق فسخ برای زن خواهد بود.

ماده ۱۱۲۶ - هر یک از زوجین که قبل از عقد عالم بامراض

مذکوره در طرف دیگر بوده بعد از عقد حق فسخ نخواهد داشت.

ماده ۱۱۲۷ - هرگاه شوهر بعد از عقد مبتلا به یکی از

امراض مقاربتی گردد زن حق خواهد داشت که از نزدیکی با او

امتناع نماید و امتناع بعلت مزبور مانع حق نفقه نخواهد بود.



ماده ۱۱۲۸ - هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بود برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد.

ماده ۱۱۲۹ - در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجراء حکم محکمه و الزام او بدادن نفقه زن میتواند برای طلاق بحاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار بطلاق مینماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه.

ماده ۱۱۳۰ - در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند، چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود. (۱)

ماده ۱۱۳۱ - خیار فسخ فوری است و اگر طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع بعلت فسخ نکاح را فسخ نکند خیار او ساقط میشود بشرط اینکه علم بحق فسخ و فوریت آن داشته باشد تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از خیار لازم بوده

بنظر عرف و عادت است.

ماده ۱۱۳۲ - در فسخ نکاح رعایت ترتیباتی که برای طلاق مقرر است شرط نیست.

## فصل دوم - در طلاق

### مبحث اول - در کلیات

ماده ۱۱۳۳ - مرد میتواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد.

ماده ۱۱۳۴ - طلاق باید به صیغه طلاق و در حضور لاقل دو نفر مرد عادل که طلاق را بشنوند واقع گردد.

ماده ۱۱۳۵ - طلاق باید منجز باشد و طلاق معلق بشرط باطل است.

ماده ۱۱۳۶ - طلاق دهنده باید بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

ماده ۱۱۳۷ - ولی مجنون دائمی می تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او را طلاق دهد.

ماده ۱۱۳۸ - ممکن است صیغه طلاق را بتوسط وکیل اجرا نمود.

ماده ۱۱۳۹ - طلاق مخصوص عقد دائم است و زن منقطعه

بانقضاء مدت یا بذل آن از طرف شوهر از زوجیت خارج می‌شود.

ماده ۱۱۴۰ - طلاق زن در مدت عادت زنانگی یا در حال نفاس صحیح نیست مگر اینکه زن حامل باشد یا طلاق قبل از نزدیکی با زن واقع شود یا شوهر غائب باشد بطوری که اطلاع از عادت زنانگی بودن زن نتواند حاصل کند.

ماده ۱۱۴۱ - طلاق در طهر موقعه صحیح نیست مگر اینکه زن یائسه یا حامل باشد.

ماده ۱۱۴۲ - طلاق زنی که با وجود اقتضای سن عادت زنانگی نمی‌شود وقتی صحیح است که از تاریخ آخرین نزدیکی با زن سه ماه گذشته باشد.

### مبحث دوم - در اقسام طلاق

ماده ۱۱۴۳ - طلاق بر دو قسم است: بائن و رجعی

ماده ۱۱۴۴ - در طلاق بائن برای شوهر حق رجوع نیست.

ماده ۱۱۴۵ - در موارد ذیل بائن است:

۱ - طلاق قبل از نزدیکی واقع شود.

۲ - طلاق یائسه.

۳ - طلاق خلع و مبارات مادام که زن رجوع بعوض نکرده

باشد.

۴ - سومین طلاق که بعد از سه وصلت متوالی بعمل آید اعم از اینکه وصلت در نتیجه رجوع باشد یا در نتیجه نکاح جدید.

ماده ۱۱۴۶ - طلاق خلع آنستکه زن بواسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالیکه بشوهر می دهد طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن و یا بیشتر و یا کمتر از مهر باشد.

ماده ۱۱۴۷ - طلاق میارات آنستکه کراهت از طرفین باشد ولی در این صورت عوض باید زائد بر میزان مهر نباشد.

ماده ۱۱۴۸ - در طلاق رجعی برای شوهر در مدت عده حق رجوع است.

ماده ۱۱۴۹ - رجوع در طلاق بهر لفظ یا فعلی حاصل می شود که دلالت بر رجوع کند مشروط بر اینکه مقرون بقصد رجوع باشد.

### مبحث سوم - در عده

ماده ۱۱۵۰ - عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است نمیتواند شوهر دیگر اختیار کند.

ماده ۱۱۵۱ - عده طلاق وعده فسخ نکاح سه طهر است

مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.

ماده ۱۱۵۲ - عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر است مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در اینصورت چهل و پنج روز است.

ماده ۱۱۵۳ - عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است.

ماده ۱۱۵۴ - عده وفات چه در دائم و چه در منقطع در هر حال چهار ماه و ده روز است مگر اینکه زن حامل باشد که در این صورت عده وفات تا موقع وضع حمل است مشروط بر اینکه فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود.

ماده ۱۱۵۵ - زنی که بین او و شوهر خود نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود.

ماده ۱۱۵۶ - زنی که شوهر او غایب مفقودالاثربوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاهدارد.

ماده ۱۱۵۷ - زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد.

## کتاب هشتم - در اولاد

### باب اول - در نسب

ماده ۱۱۵۸ - طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از ششماه و بیشتر از دو ماه نگذشته باشد.<sup>(۱)</sup>

ماده ۱۱۵۹ - هر طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه مادر هنوز شوهر نکرده و از تاریخ انحلال نکاح تا روز ولادت طفل بیش از ده ماه نگذشته باشد مگر آنکه ثابت شود که از تاریخ نزدیکی تا زمان ولادت کمتر از ششماه و یا بیش از ده ماه گذشته باشد.

ماده ۱۱۶۰ - در صورتیکه عقد نکاح پس از نزدیکی منحل شود و زن مجدداً شوهر کند و طفلی از او متولد گردد طفل به شوهری ملحق می شود که مطابق مواد قبل الحاق او به آن شوهر ممکن است در صورتی که مطابق مواد قبل الحاق طفل بهر دو شوهر ممکن باشد طفل ملحق به شوهر دوم است مگر آنکه امارت قطعیه بر خلاف آن دلالت کند.

ماده ۱۱۶۱ - در مورد مواد قبل هرگاه شوهر صریحاً یا

۱- ماده ۱۱۵۸ در جلسه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است.

ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۲ - در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که عادتاً پس از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی می باشد اقامه گردد و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضاء دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل مسموع نخواهد بود.

ماده ۱۱۶۳ - در موردیکه شوهر مطلع از تاریخ حقیقی تولد طفل نبوده و تاریخ تولد را بر او مشتبه نموده باشند به نوعی که موجب الحاق طفل با او باشد و بعدها شوهر از تاریخ حقیقی تولد مطلع شود مدت مرور زمان دعوی نفی دو ماه از تاریخ کشف خدعه خواهد بود.

ماده ۱۱۶۴ - احکام مواد قبل در مورد طفل متولد از نزدیکی به شبهه نیز جاری است اگر چه مادر بطفل مشتبه نباشد.

ماده ۱۱۶۵ - طفل متولد از نزدیکی به شبهه فقط ملحق بطرفی می شود که در اشتباه بوده و در صورتیکه هر دو در اشتباه بوده اند ملحق بهر دو خواهد بود.

ماده ۱۱۶۶ - هرگاه بواسط وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسبت طفل بهر یک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت بدیگری نامشروع خواهد بود.

در صورت جهل هر دو نسبت طفل نسبت بهر دو مشروع است.

ماده ۱۱۶۷ - طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.

## باب دوم - در نگاهداری و تربیت اطفال

ماده ۱۱۶۸ - نگاهداری اطفال هم حق و هم تکلیف ابوین است.

ماده ۱۱۶۹ - برای نگاهداری طفل مادر تا دو سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت پس از انقضای این مدت حضانت با پدر است مگر نسبت باطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آنها با مادر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۰ - اگر مادر در مدتی که حضانت طفل با او است مبتلا به جنون شود یا بدیگری شوهر کند حق حضانت با پدر خواهد بود.

ماده ۱۱۷۱ - در صورت فوت یکی از ابوین حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد.

ماده ۱۱۷۲ - هیچیک از ابوین حق ندارند در مدتی که حضانت طفل بعهده آنها است از نگاهداری او امتناع کنند در صورت امتناع یکی از ابوین حاکم باید بتقاضای دیگری یا تقاضای قیم یا یکی از اقربا و یا به تقاضای مدعی العموم نگاهداری طفل را بهر یک از ابوین که حضانت بعهده اوست



الزام کند و در صورتی که الزام ممکن یا مؤثر نباشد حضانت را بخرج پدر و هرگاه پدر فوت شده باشد بخرج مادر تأمین کند.

ماده ۱۱۷۳ - هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد محکمه میتواند بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای قیم او یا بتقاضای مدعی العموم هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

ماده ۱۱۷۴ - در صورتیکه بعلت طلاق یا بهر جهت دیگر ابوین طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند هر یک از ابوین که طفل تحت حضانت او نمی باشد حق ملاقات طفل خود را دارد تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط بآن در صورت اختلاف بین ابوین با محکمه است.

ماده ۱۱۷۵ - طفل را نمیتوان از ابوین و یا از پدر و یا از مادری که حضانت با اوست گرفت مگر در صورت وجود علت قانونی.

ماده ۱۱۷۶ - مادر مجبور نیست که به طفل خود شیر بدهد مگر در صورتیکه تغذیه طفل بغير شیر مادر ممکن نباشد.

ماده ۱۱۷۷ - طفل باید مطیع ابوین خود بوده و در هر سنی که باشد به آنها احترام کند.

ماده ۱۱۷۸ - ابوین مکلف هستند که در حدود توانائی

خود بتربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند.

ماده ۱۱۷۹ - ابوین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این حق نمیتوانند طفل خود را خارج از حدود تأدیب و تنبیه نمایند.

### باب سوم - در ولایت قهری پدر و جد پدری

ماده ۱۱۸۰ - طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود میباشد و همچنین است طفل غیررشدید یا مجنون در صورتیکه عدم رشد یا جنون او متصل به صغر باشد.

ماده ۱۱۸۱ - هر یک از پدر و جد پدری نسبت به اولاد خود ولایت دارند.

ماده ۱۱۸۲ - هرگاه طفل هم پدر و هم جد پدر داشته باشد و یکی از آن ها محجور یا بعلتی ممنوع از تصرف در اموال مولی علیه گردد ولایت قانونی او ساقط میشود.

ماده ۱۱۸۳ - در کلیه امور مربوطه باموال و حقوق مالی مولی علیه ولی نماینده قانونی او میباشد.

ماده ۱۱۸۴ - هرگاه ولی قهری طفل لیاقت اداره کردن اموال مولی علیه را نداشته باشد و یا در مورد اموال او مرتکب حیف و میل گردد بتقاضای اقربای طفل یا بتقاضای

مدعی‌العموم بعد از ثبوت عدم لیاقت یا خیانت او در اموال مولی علیه بطرفیت مدعی‌العموم در محکمه حاکم یک نفر امین بولی منضم میکند همین حکم در موردی نیز جاری است که ولی طفل بواسطه کبرسن یا مرض یا امثال آن قادر به اداره کردن اموال مولی علیه نباشد.

ماده ۱۱۸۵ - هرگاه ولی قهری طفل محجور شود مدعی‌العموم مکلف است مطابق مقررات راجعه به تعیین قیم، قیمی برای طفل معین کند.

ماده ۱۱۸۶ - در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارائی طفل امارت قویه موجود باشد مدعی‌العموم مکلف است از محکمه ابتدائی رسیدگی به عملیات او را بخواهد محکمه در این مورد رسیدگی کرده در صورتیکه عدم امانت او معلوم شد مطابق ماده ۱۱۸۴ رفتار مینماید.

ماده ۱۱۸۷ - هرگاه ولی قهری منحصر بواسطه غیبت یا حبس بهر علتی که نتواند بامور مولی علیه رسیدگی کند و کسی را هم از طرف خود معین نکرده باشد حاکم یکنفر امین به پیشنهاد مدعی‌العموم برای تصدی و اداره اموال مولی علیه و سایر امور راجعه به او موقتاً معین خواهد کرد.

ماده ۱۱۸۸ - هر یک از پدر و جد پدری بعد از وفات دیگری میتواند برای اولاد خود که تحت ولایت او میباشند وصی معین کند تا بعد از فوت خود در نگاهداری و تربیت آنها

مواظبت کرده و اموال آنها را اداره نماید.

ماده ۱۱۸۹ - هیچیک از پدر و جد پدری نمیتواند با حیات دیگری برای مولی علیه خود وصی معین کند.

ماده ۱۱۹۰ - ممکن است پدر یا جد پدری به کسی که بسمت وصایت معین کرده اختیار تعیین وصی بعد فوت خود را برای مولی علیه بدهد.

ماده ۱۱۹۱ - اگر وصی منصوب از طرف ولی قهری به نگاهداری یا تربیت مولی علیه و یا اداره امور او اقدام نکند یا امتناع از انجام وظایف خود نماید منعزل میشود.

ماده ۱۱۹۲ - ولی مسلم نمی تواند برای امور مولی علیه خود وصی غیر مسلم معین کند.

ماده ۱۱۹۳ - همینکه طفل کبیر و رشید شد از تحت ولایت خارج میشود و اگر بعداً سفیه یا مجنون شود قیمی برای او معین میشود.

ماده ۱۱۹۴ - پدر و جد پدری و وصی منصوب از طرف یکی از آنان ولی خاص طفل نامیده میشود.

## کتاب نهم - در خانواده

## فصل اول - در الزام به انفاق

ماده ۱۱۹۵ - احکام نفقه زوجه همانست که بموجب فصل هشتم از باب اول از کتاب هفتم مقرر شده و بر طبق همین فصل مقرر می‌شود.

ماده ۱۱۹۶ - در روابط بین اقارب فقط ارقاب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.

ماده ۱۱۹۷ - کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال بشغلی و سائل معیشت خود را فراهم سازد.

ماده ۱۱۹۸ - کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد یعنی بتواند نفقه بدهد بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

ماده ۱۱۹۹ - نفقه اولاد بر عهده پدر است پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به انفاق بعهدہ اجداد پدری است با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها نفقه بر عهده مادر است.

هرگاه مادر هم زنده و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب

فلاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقریب مساوی باشند نفقه را باید بحصه متساوی تأدیه کند.

ماده ۱۲۰۰ - نفقه ابوین با رعایت الاقرب فلاقرب بعهده اولاد و اولاد اولاد است.

ماده ۱۲۰۱ - هرگاه یکنفر هم در خط عمودی صعودی و هم در خط عمودی نزولی اقارب داشته باشد که از حیث الزام به انفاق در درجه مساوی هستند نفقه او را باید اقارب مزبور بحصه متساوی تأدیه کنند بنابراین اگر مستحق نفقه پدر و مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید پدر و اولاد او متساویاً تأدیه کنند بدون اینکه مادر سهمی بدهد و همچنین اگر مستحق نفقه مادر و اولاد بلافصل داشته باشد نفقه او را باید مادر و اولاد متساویاً بدهند.

ماده ۱۲۰۲ - اگر اقارب واجب النفقه متعدد باشند و منفق نتواند نفقه همه آنها را بدهد اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود.

ماده ۱۲۰۳ - در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب النفقه دیگر زوجه مقدم بر سایرین خواهد بود.

ماده ۱۲۰۴ - نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت بقدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه

استطاعت منفق .

ماده ۱۲۰۵ - در موارد غیبت یا استنکاف از پرداخت نفقه، چنانچه الزام کسی که پرداخت نفقه بر عهده اوست ممکن نباشد دادگاه می‌تواند با مطالبه افراد واجب‌النفقه به مقدار نفقه از اموال غایب یا مستنکف در اختیار آنها یا متکفل مخارج آنان قرار دهد و در صورتی که اموال غایب یا مستنکف در اختیار نباشد همسر وی یا دیگری با اجازه دادگاه می‌توانند نفقه را به عنوان قرض بپردازند و از شخص غایب یا مستنکف مطالبه نمایند.<sup>(۱)</sup>

ماده ۱۲۰۶ - زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر زن مقدم بر غرما خواهد بود ولی اقارب فقط نسبت به آتیه می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.<sup>(۲)</sup>

۱- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس

شورای اسلامی

۲- ماده ۱۲۰۶ در جلسه ۱۹ فروردین ماه ۱۳۱۴ تصویب شده است.

## کتاب دهم - در حجر و قیمومت (۱)

مصوب ۱ و ۱۳ مهرماه و ۸  
آبانماه ۱۳۱۴

## فصل اول - در کلیات

ماده ۱۲۰۷ - اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند:

۱ - صغار .

۲ - اشخاص غیر رشید .

۳ - مجانین .

ماده ۱۲۰۸ - غیر رشید کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلائی نباشد .

ماده ۱۲۰۹ - حذف می گردد. (۲)

۱- از ماده ۱۲۰۷ لغایت ماده ۱۲۵۶ در تاریخ اول مهرماه و از ماده ۱۲۵۷ لغایت ماده ۱۲۸۳ در تاریخ ۱۳ مهر ماه و از ماده ۱۳۸۴ لغایت ماده ۱۳۳۵ در تاریخ ۸ آبان ماه ۱۳۱۴ (صفحات ۲۴-۴ مجموعه دوره دهم) به تصویب رسیده است.

۲- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی



ماده ۱۲۱۰ - هیچکس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

تبصره ۱ - سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

تبصره ۲ - اموال صغیری را که بالغ شده‌است در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد.<sup>(۱)</sup>

ماده ۱۲۱۱ - جنون بهر درجه که باشد موجب حجر است.

ماده ۱۲۱۲ - اعمال و اقوال صغیر تا حدی که مربوط باموال و حقوق مالی او باشد باطل و بلااثر است معذک صغیر ممیز می‌تواند تملک بلاعوض کند مثل قبول هبه و صلح بلاعوض و حیازت مباحات.

ماده ۱۲۱۳ - مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود بنماید ولو با اجازه ولی یا قیم خود لکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد.

ماده ۱۲۱۴ - معاملات و تصرفات غیررشید در اموال خود

۱- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۷۰/۸/۱۴ مجلس شورای اسلامی

نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او اعم از اینکه این اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل.

معدلک تملکات بلاعوض از هر قبیل که باشد بدون اجازه هم نافذ است.

ماده ۱۲۱۵ - هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.

ماده ۱۲۱۶ - هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر شود ضامن است.

ماده ۱۲۱۷ - اداره اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید بعهده ولی یا قیم آنان است بطوری که در باب سوم از کتاب هشتم و مواد بعد مقرر است.

## فصل دوم - در موارد نصب قیم و ترتیب آن

ماده ۱۲۱۸ - برای اشخاص ذیل نصب قیم می شود:

- ۱ - برای صغاری که ولی خاص ندارند.
- ۲ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم رشد آنها متصل بزمان صغر آنها بوده و ولی خاص نداشته باشند.
- ۳ - برای مجانین و اشخاص غیر رشید که جنون یا عدم

رشد آنها متصل بزمان صغر آنها نباشد.

ماده ۱۲۱۹ - هر یک از ابوین مکلف است در مواردی که به موجب ماده قبل باید برای اولاد آنها قیم معین شود مراتب را به دادستان حوزه اقامت خود و یا به نماینده او اطلاع داده از او تقاضا نماید که اقدام لازم برای نصب قیم بعمل آورد.<sup>(۱)</sup>

ماده ۱۲۲۰ - در صورت نبودن هیچیک از ابوین یا عدم اطلاع آنها انجام تکلیف مقرر در ماده قبل بعهدہ اقربائی است که با شخص محتاج به قیم در یکجا زندگی مینمایند.

ماده ۱۲۲۱ - اگر کسی بموجب ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود زن یا شوهر داشته باشد زوج یا زوجه نیز مکلف بانجام تکلیف مقرر در ماده ۱۲۱۹ خواهند بود.

ماده ۱۲۲۲ - در هر موردی که دادستان بنحوی از انحاء بوجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ باید برای او نصب قیم شود مسبوق گردید، باید به دادگاه مدنی خاص رجوع و اشخاصی را که برای قیمومت مناسب می‌داند به آن دادگاه معرفی کند.

دادگاه مدنی خاص از میان اشخاص مزبور یک یا چند نفر را به سمت قیم معین و حکم نصب او را صادر می‌کند و نیز دادگاه

مذکور می‌تواند علاوه بر قیم یک یا چند نفر را به عنوان ناظر معین نماید در این صورت دادگاه باید حدود اختیارات ناظر را تعیین کند.

اگر دادگاه مدنی خاص اشخاصی را که معرفی شده‌اند معتمد ندید، اشخاص دیگری را از داسرا خواهد خواست. (۱)

ماده ۱۲۲۳ - در مورد مجانین دادستان باید قبلاً رجوع به خبره کرده نظریات خبره را به دادگاه مدنی خاص ارسال دارد در صورت اثبات جنون دادستان به دادگاه رجوع میکند تا نصب قیم شود در مورد اشخاص غیر رشید نیز دادستان مکلف است که قبلاً به وسیله مطلعین اطلاعات کافی در باب سفاهت او بدست آورده و در صورتی که سفاهت را مسلم دید در دادگاه مدنی خاص اقامه دعوی نماید و پس از صدور حکم عدم رشد برای نصب قیم به دادگاه رجوع نماید. (۲)

ماده ۱۲۲۴ - حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشد مادام که برای آنها قیم معین نشده بعهدہ مدعی العموم خواهد بود طرز حفظ و نظارت مدعی العموم به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

۱- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس

شورای اسلامی

۲- قانون اصلاح موادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس

شورای اسلامی

ماده ۱۲۲۵ - همین که حاکم جنون یا عدم رشد یک نفر صادر و بتوسط محکمه شرع برای او قیم معین گردید مدعی العموم می تواند حجر آنرا اعلان نماید انتشار حجر هر کسی که نظر به وضعیت دارائی او ممکن است طرف معاملات بالنسبه عمده واقع گردد الزامی است.

ماده ۱۲۲۶ - اسامی اشخاصی که بعد از کبر و رشد بعلت جنون یا سفه محجور می گردند باید در دفتر مخصوص ثبت شود. مراجعه به دفتر مزبور برای عموم آزاد است.

ماده ۱۲۲۷ - فقط کسی را محاکم و ادارات و دفاتر اسناد رسمی به قیمومت خواهند شناخت که نصب او مطابق قانون توسط دادگاه به عمل آمده باشد. (۱)

ماده ۱۲۲۸ - در خارج ایران کنسول ایران و یا جانشین وی می تواند نسبت به ایرانیانی که باید مطابق ماده ۱۲۱۸ برای آنها قیم نصب شود و در حوزه مأموریت او ساکن یا مقیم اند موقتاً نصب قیم کند و باید تا ۱۰ روز پس از نصب قیم مدارک عمل خود را به وسیله وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری بفرستد. نصب قیم مزبور وقتی قطعی می گردد که دادگاه مدنی

خاص تهران تصمیم کنسول یا جانشین او را تنفیذ کند. (۱)  
 ماده ۱۲۲۹ - وظایف و اختیاراتی که بموجب قوانین و  
 نظامات مربوطه در مورد دخالت مدعیان عمومی در امور صغار  
 و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است در خارج ایران به  
 عهده مأمورین قنسولی خواهد بود.

ماده ۱۲۳۰ - اگر در عهود و قراردادهای منعقدہ بین دولت  
 ایران و دولتی که مأمور قنسولی مأموریت خود را در مملکت  
 آن دولت اجرا می‌کند ترتیبی بر خلاف مقررات دو ماده فوق  
 اتخاذ شده باشد مأمورین مذکور مفاد آن دو ماده را تا حدی که با  
 مقررات عهدنامه یا قرارداد مخالف نباشد اجرا خواهند کرد.

ماده ۱۲۳۱ - اشخاص ذیل نباید بسمت قیمومت معین

شوند:

- ۱ - کسانی که خود تحت ولایت یا قیمومت هستند.
  - ۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه‌های  
 ذیل بموجب حکم قطعی محکوم شده باشند:
- سرقت - خیانت در امانت - کلاهبرداری - اختلاس - هتک  
 ناموس یا منافیات عفت - جنحه نسبت به اطفال -  
 ورشکستگی به تقصیر.

۱- قانون اصلاح مرادی از قانون مدنی مصوب ۱۳۷۰/۸/۱۴ مجلس